

ایستگاه آخر



نویسنده: مَت دِلَپِنَا تصویرگر: کریستین روینسون
مترجم: پروین علی پور





بیرون، هوا عالی بود، ولی باران هم می بارید؛ بارانی که پیراهن چارلی
را خال خالی می کرد و از نوک بینی اش می چکید!



چارلی در کلیسا را هل داد، باز کرد و از پله ها آمد پایین.